

اشتماء گذشته

تکرار میشود

مسافرتی که در چند روز اخیر از اطراف سبز و دیوا ندرمه تهران رسیده است حکایت می کند که قوای مجبور مملکت به تعداد فوق العاده زیاد و با مسمیات کافی در نقاط مختلفه و پادگان های آن مملکت تفرکز یافته در شهر و اطراف سبز استکاماتی تهیه دیده و کاملاً خود را با هر گونه خطر حمله احتمالی آماده نموده اند. این امر موجب شده که قوای بارزانی ها بر حسب دستور مامداران کردستان شمالی، دهکده سرا را که محل اقامت محمد رشید خان قادر خان زاده است تقویت نموده آنها را هم مراتب دقیق اوضاع باختمند.

محمد علی قیسه یارنده ای سوار و پیاده عشاری گلپایگی چندی است به بیچاره اسرار شده و فعلاً در آن جا اقامت دارد.

روسی ایل تیلکوی مشغول فعالیت برای جمع آوری سوار و تفنگچی هستند که بقوای نظامی به پیوندند. گویا فکر زمامداری که حرکت نظامی قسمت کردستان جنوبی را در دست دارند این است که جیبه ای از عشاری مسلح تشکیل داده و مانند ادوار گذشته آنها را « پیش جنگ » قرار دهند.

مالین فکر که عشاری را مسلح کنند تا اگر اتفاقی افتاد از وجود آنها به نفع دولت استفاده شود، قابل اعتماد ترشح حاضر نمی بینیم زیرا اولاً معلوم نیست روحیه ایشان تا چه اندازه مستعد و حاضر است که در صورت وقوع جنگ تفنگ تیری عشاری مبادا بکشند.

تا بیا در صورت آمادگی ایشان برای جنگ باید بنظر میرسد که بتوانند درصاف اول مقاومت نمایند.

ثالثاً در صورتیکه تاب مقاومت نیاورند، باید حساب کرد که عکس العمل شکست آنها در افراد نظامی چه میزان ترارزل و وحشت ایجاد خواهد بود و نتیجه آن چه خواهد شد.

و میگردیم از تذکر نکات دیگر از قبیل هزینه آن برای دولت اختلافات موجوده بین سرپرست های این عشاری، ایجاد رعب و هراس بین مردم، برانگیختن عصب کینه و انتقام اکراد شمالی و غیره و غیره...

امروز شما، پادان پول واسلمه، عشاری را بمسکاری دعوت میکنید مردم را از خانه و زندگی خود بر داشته از آنها «مدافعین وطن» می تراشید. فردا

در اطراف قرارداد

ترکیه، عراق

خود را در دست دیگران و خود را در مذلت و خواری دیده اندک اندک تکلی می بود داد.

پس از جنگ بین المللی اول که بر خلاف وعده و وعیدها از سمت آزادی سببی امپریالیست جنبش های متبور را ای کرد. کشت و کشته شد.

با زن و بچه، پسر و جوانش تیر باران گردیده دشت ها و کوه های مهین عزیز خود را با خون آزادی خود و دشمنانش آبیاری کرد. بازار فنوری پهلراننداد. در حضور ارواح اساطیری نیابان خود همه و پیمان نمود که خود را از ذلت و خواری برهاند.

در خصوص قسمتی که از ترکیه جدا و بنام ایالت موصل به دولت نوزاد عراق ضمیمه شد چون قوی که گرفته بود عملی نکردند در آنجا هم ناراضیانی خود را اظهار و ادعای آزادی ملی را متأسفانه باز میبورد ماند با هیاهوی کشت و کشتار به جهانبان اعلام کند.

وقایع فوق الذکر که در نتیجه غلبان روح آزادی کرد بوقوع پیوست خاک کردستان واقع در مناطق مرزی ترکیه و عراق را منطقه نا امنی شناختند مولیان نامشروع کردستان برای اینکه احترام و مقدس بودن جنبش های آزادی خواهانه این ملت را که دار نموده تکه چینی را که در تصرف دارند از دست ندهند، کردها را زده غارتگر و ماجراجو قلنداد نموده و برای خفه کردن فریاد آزادی ایشان چسارهایی اندیشیده قرار داده اندی متعده میباشند.

کردها که در رک هایشان خون نژاد آردیان جریان داد خوئی که ماسخیان آن مدیبت جهان را به تکامل امروزه رسانیده دلیلی ندارد که متصرف به شراکت و یا غنچگری شوند.

اگر حرکتی از آنها سر می زند معرک و مسب حقیقی و باید جستجو نموده تضادت کرد. حرکت مصلح آسایش فردی و اجتماعی کردها زاینده روح بیزار و ظلم دیده اواز فشار اسارت و پندگی است. مگر نه این است در عصری که حقوقی برای حیوانات قائل شوند باید انتقار داشت که عده چند ملیونی بشر زیر یوغ طاقت فرسای اقوام دیگر بتواند تحمل کند. مرغ سر بریده هم لاشه اش را بهوا بلند و به زمین پرتاب می کند چنگونه امکان پذیر است که یک جامعه بزرگ انسانی در حین خفه شدن دست و پا زنده ؟

کوشش برای مدافعه نفس در هر بقیه در صفحه ۷

در این اواخر، دولت های ترکیه و عراق فرار دای منقده نموده اند که دو مساده آن مربوط به وقایع مرزی دولتی میباشد.

۱ - اعاده مجرمین
۲ - تشریک مسامی دولتی در حفاظت آسایش مرزی

خواهند گمان میداند که مناطق مرزی این دو کشور با نژاد کرد مسکون است بنا بر این در هر دو طرف اشخاصی که مرتکب جرم شده داخل مرز دیگری بشوند سدی نود از کردها خواهند شد ملت کرد ایرانی نژاد که در تحت تاثیر افتادات مذهبی زمانی بیست به خلفای عثمانی شده، مقدرات خود را به دست برادران دینی خود عثمانی ها سپرده بطور غفلت رفته بود پرور اسرار در زیر فشار و ناروائی های حاکمان خود که تنها در فکر ادامه و تقویت تسلط و تحکیم خود، دین مقدس اسلام را وسیله قرار داده بودند بیدار شد، بهوش آمد و ملک موردی بر ثروت و جنت آسای و متارو حرکت سرتیپ هوشنده افشار فراموش شده مگر همین تیلکوی ها بودند که در جنگ های شهر پرور ۲۰ و جنگ های دوسه سال قبل کشته ها دادند زحمت ها کشیدند، مگر فراموش شده ده هوشنده افشار چه پایبند. برای آنها ساخت که بیچاره ها ناچار چندی به تهران پناهنده شده، سر گردان و آواره بودند امروز شما با پادشاهی هائی که به آنها داده اند، باز سراغ آنها میروید و میخواهید که برای کمک، با روحی قوی حاضر فدا کاری باشند. آیا هیچ حساب کرده اند که این اشخاص دیگر نخواهند توانست با روحیه سابق، فدا کاری کنند؟

امروز اوضاع منطقه سبز ایجاب میکند که یکی از رجال برجسته مملکت امور کشوری و سیاست آنجا را در دست داشته باشد. این کار، کار یک نفر به شدت نیست سزواستخوان فقط از لحاظ شهرت در نظر گرفته بشود نامیده بلکه اهمیت سیاسی این ناحیه شخص کاردان و بزرگی را، که موردی استاندار باشد، می طلبد بدینی است و قتی که این اصول کلی فراموش شده باشد، ناچار باید بجهیز قوای هشتری توسل جست !!

ما، بجای کلیه این اقدامات زبان آور، مینظور که بارها تذکر داده ایم، مطلقاً تنهاره، و منحصراً بر فردان اقدام در اصلاحات اساسی و فوری است.

و اگر بگویند دولت محلی برای مخارج آن ندارد خواهیم که -

از هزینه اردو کثی و جمع آوری سوار و پیاده عشاری بر داریلدو بصرف اصلاحات واقعی برسانید.

تا چه اندازه این تذکرات مقید واقع شود. ۱۱ - آنچه روش خواهد ساخت.

بعناست پایان جامعه ملل متفق از ژنو تا ۱۹۱۹

جره آتش جنگ بین المللی اول که در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ با گاوله پیک جوانک آزاده صربس که از انقلابیون (بوش) و ولیمه خواب آلود و منتقم الطربش را در موقع مسافرتش در شهر (سرازو) مقتول کرد پسر خاست شد آندراز طبقه ضعیف و بیچاره که سنگینی بار جنگ همیشه بر دوش آنها بوده دست در راه گورستانهای غن و تاریک نبود تا بالاخره در ۶ اکتبر ۱۹۱۸ آلمان شسته و اوادار به تقاضای مذاکرات صلح از متفقین تلاه نفس و خشی نمود . مذاکرات با اینکه برابر مواد چهارده گانه (وودز ویلسن) و دپس جمهور اسبق و آزاده آمریکا تنظیم شده بود ولی بوضع ناجوانسردانه بر آلمان مطلوب تحصیل گردید و طوری او در تاوویود تمیهدات و قرار داد ها پاینده و اسیر گردید که تصدور انبساط از (لانه زلیو پروس) سالهای سال چشم زشی به جهانبان برسد .

بهر صورت از چهارده اصل ویلسن که پایه واساس صلح بر روی آن استوار شده بود فقط ماده چهاردهم و آخرین اصل آن بود که کسی جنگ به دل مردم خسته و وامانه از جنگ خصوصا دول ضعیف و اسیر میزد و ایستاده که حقیقتا جنبه ابدولویژیکی آن به چیز های دیگرش میچیرید و از همان روز اول معلوم بود که پایه و اصل محکم و دیا پستانه ندارد موضوع دلچسب زیر بود .

- « هرگاه یکی از اضاغای جامعه از »
- « طرف دولتی مورد حمله و هجوم »
- « واقع شود تمام اضاغای دیگر میبوردند »
- « هر یک بنوبه خود یکیک دولت »
- « مورد تهاجم شانه و نگذارند به »
- « تسلیت ارضی و استقلال او سکت »
- « وارد آید »

این ماده با اینکه در تمام بیست سال آشوب اخیر حتی برای یک مرتبه هم بصورت عمل در نیامده ولی در عوض مرتبه برنده و قاطعی برای فول ام ریالیست و بزرگ شد تا همه وقت بتواند انکار شیطانی خود را حاصل کرده و بیجاوزات واقعی خود صورت حق بجانب دهند .

در هر حال این سخنان بیست و آن دکان سالوسی و ریا که مد ها بنام جامعه ملل ناپدید شده هیچکدام نتوانستند یا نتوانستند و خواسته حتی برای یک ربع قرن هم شده صلح جهانی را حفظ و از وقوع جنگ بین الملل دوم جلوگیری و چند سیاسی دنیای درهم ریخت و خون چکان را پامسانی کند .

در هر حال این جامعه که به و بوسیده که بنام منشی یک بنای سست و لرزان بود بر اثرافتخامات منته و عجیب خود تجزیه و طی یک جلسه تشریفاتی در ۱۹ آوریل ۱۹۱۹ خود را به سلف خود سازمان نوین ملل متفق « داه ولی بند از آن همه مصیبت و پس از آن همه احوال نظر های خصوصی که متجربه یک جنگ بی سابقه و شگرفی شد .

آیا دنیا امروز حق دارد از خود بیرسد که آبار است است که جامعه ملل بازم وجود پیدا کرده ؟

بلم آقای مهندس کودرزی

دنیای ایران در هفته پیش

- « روزگار تپید و مراح جدید شیخ هونانک و خوئین »
- « میانیکری « د انزوی عالی « بیاطری « »
- « را برای همیشه از امن سیاسی جهان محروم ثابت »
- « کرد که آبنده جاسوز « عدم مذاخه « توازن »
- « سیاسی « دنیای نونه فقط زیبا و عالی نیست »
- « بلکه امکان هم ندارد »

بزر در انتظار ما است از تهران

والاس مری که از دوستان اران ایران بود جای خود را به (جرج والی) که سیاستمدار جوانی است میدهد ملت تغییر سفیر آمریکا میگویند بر اثر بیماری شده او بوده است .

اوتش سرخ بیشتر نقاط را تظلم و اغلب سربازان ایرانی به شاهرود و قزوین اعزام گردیده اند همه جا بفرقه و استنبال گرمی بین آمده است .

هنوز از مذاکراتی که بسنا بود بین هیئت نمایندگان ملت آذربایجان و دولت سرگری دو کرج (۳۶ کیلو متری تهران) شروع شود خبری نیست ولی رانرو آذربایجان پیام پیشه وری را که میگویند (اگر نتوانند به خوشی ما را بپذیرند ما از جنگ هراسی نداریم » هر شب پخش میکنند .

کاردار سفارت انگلیس یاد داشتی به دولت دادند از افسران ماسور شکوه میکنند و دولت طی اعلامیه خود این ادعا را تکذیب میکند .

نظر کلی به رویداد های جهان

شوراء امنیت و قضیه اسپانیا

دولت لیسان که مداخله حکومت فرانکو را محکوم نموده بود و وجود رژیم فالاتز را برای صلاح بین المللی خطرناک تشخیص میداد یادداشتی مجدداً به شوراء امنیت تقدیم و تناهاشوده است که « کلیه دول فوراً خوبت روابط خود را با فرانکو همکار هیتلر قطع نمایند زیرا این حکومت بر ضد اراده ملت اسپانی تشکیل یافته است »

تسامح شوراء امنیت در این قضیه مثل این که روزهای سال ۱۹۲۰ را که اوتش کیود در خطوط مقدم جبهه و بر ضد سربازان دلیر متفق می جنگید و فرانکو همه چیز اسپانیا را تقدیم نازیها می نمود از خاطرها برده و گرفته امروز که همه سربازهای از جنگ برگشته در هر گوشه و کنار فریاد میکنند که رژیم فرانکو و خطر فالاتز باید از بین برود . زودتر به این منطق حساسی توجه میکرد

چیز عجیبی است با اینکه منتر امتیاتیوس سریعاً میگوید (منطعه حکومت فرانکو باید در اسزد بکنترین اوقات از ملت اسپانیا بر داشته شود) ولی معلوم نیست باز چرا این موضوع این طور لایتنس ماند بهر صورت معلوم نیست که میخواهند بدون برده قیامه واقعی خود را بجهان نشان بدهند یا غیر و آیا میخواهند آخرین لانه فاشیست را بر سر پای آن بگویند یا نه ؟

دلیا را خطر گرسنگی تهدید میکند

هورر دپس جمهور اسبق آمریکا و فرستاده مخصوص سنتر ترومن طی لطق مفصلی باز (اعلام خطر) می کند . هورر میگوید اگر کشورهای که مازاد بر مصرف خود کتیم دارنده کشورهای گرسنه اروپا کمک نکنند ملیونها کودک بیگناه و سربازان حلیل و زنان بیوا از بی چیزی و گرسنگی میمیرند . ترومن توجه دلیا را به آن بحران و وب آدر جلب و هتیهها از هربرت هورر رسماً تمنازا کرده اند که او به قسمتهای جنوب هندوستان سیاه و بیبند قلمی در آنجا یا چه شدنی حکم فرمات . امروز چشم ملل گرسنه به دست ملل غنی است دنیای محروم که پس از سالها جنگ اکنون میسوزد چه میتوان بکند و آیا نیایه ترحم دیگران را بخود جلب نماید آیا دنیا باسع کامی خواهد داد ؟

فکش کنفرانس جدید در وضع آشفته جهان

روز ۲۵ ماه آوریل کنفرانس بریج وزیر امور خارجه در پاریس (شوس آزادی) تشکیل میشود این کنفرانس با مشکلات بی اندازه و طاقت فرمائز و برو است . آیا میتوان به نتایج این مذاکرات خوشبین بود یا غیر ؟ نس شود پیش بینی کرد . زیرا مشکلات زیادی در راه جهان آزاد وجود دارد که حل آن حسن نیت بیشتری لازم دارد . از آن جمله مسئله صلح ایتالیا و مستمرات اوست که سر تقسیم آن صحبت هائی است و ضنا حتی اصلاحات جدید و قدیم نیز باید در آنها حل شود . ولی برای اینکه بدانیم این انجمن پر هکی جدید به در زمان این همه بیاری موفق میگردد یا غیر باید تا هفته دیگر منتظر بود .

از همه جا

انگلیس مقررات مربوط به حمل مسافه تعطلی را که (ترومن) پیشنهاد کرده استقبالی میکند . مصر کسبهای ذیقیشی به دنیا در خصوص ارسال گندم خواهد نمود هربرت هورر پس از بازگشت از مصر به هندوستان پیدا بخاور دور مسافرت میکند .

فالتون اساسی جدید فرانسه برای تصویب به آراء عمومی مراجعه میشود جلسه عمومی شوراء امنیت فردا تشکیل خواهد شد مسئله ایران و قضیه اسپانیا مطرح خواهد گردید . دولت آمریکا دو سعادت مقدم در یوروبک برای حمل فانی سازمان ملل متفق در نظر گرفته است . سائیه گان بریتانیا در روزهای عهد باکشان در کشیر پسر خواهند برده و پس از آن مجدداً فعالیت سیاسی خود را از نو آغاز خواهند کرد .

ناریض نابلتون

در ۱۸ جلد

تالیف آقای فریدون ظفر

اردلان

زودی منتشر میشود

پنجم آنگای ناصر آزاد بود

ای کوهستان!

« نامی کوهستان نه و نه سیرمی تو
 « شه و مزه بگی کرده دهر و نه خانی
 « تو نه و نه سیرمی هادی به پار شور
 موزه دمی روزده می رای به دین له شو
 هزاره »

شادزی ای کوهستان ، ای رخنه
 کوک آسمان مضبوط - شادزی
 ای که سر بلنه ترین فلل کوهستان
 کردستان را نشاط و فرح همی بخشی
 شادزی
 ای صیحه طرب انگیزیکه مایه
 تلالای غروب زنده شده ساکنان « حیالی »
 شادزی ، جاودانی
 ای جریده دلکش ، اینک که از
 عصر تو ۳۶۵ روز سیری میشود ،
 شینگان تو و بکخواهان و دوسته اران
 تو ، بخاطر مبارزات جد و اندرانه و
 وسوز و گدازهای وطن پرستانه انزفون
 از ۳۶۵ سال زانگی و دوخته گیت
 را آرزو میکنی و امروز از قلل آگروس
 دره های سر زمین ماد ، درودادیه
 فراوان بر تو روانه میشود .

چرا - برای اینکه تو ستاره
 دغشان ، هادی گشته گان شب تاری ،
 از آبروی که از فراز از تافته خرم تو
 نسیم و کرامی بر مشام منتظرین صریت
 همی وزد ، از آنجهت که شندیدگان
 « جبال » مرهم جراحات خود را در
 دکه تو سراغ همی گیرند
 آری ای داری درد مشتاق سعادت
 ای شمال فرح بخش ای هادی گشته گان
 بر تو سلام بر تو درود .

هنگامیکه شاعر کرد ترا در مصرع
 « کوهستان بانی که واهه ستان له و واچ
 توصیف گشت ، من حقیقت گفتم
 تو همان طایفه زلی که نیام کاروان
 عقب افتاده کردستان را موجی هوسان
 مرغ خوش الهامی که فلای شه و محنت
 و طایفه ایوار خوشبختی را آورده یعنی
 تا بنک باش ای شله ناپای مردم
 روشن ضمیر کردستان ، زیرا در آسمیکه
 اشمه حقیقت نامی تو ، چون کبیران
 زردن هروس آسمانها ، کله گوشه های
 زیبا و معدنی قلل کردستان را انوارش
 میکند ، اور امید در دلهای ساکنین
 اینت سامان تجلا میکند ، و نسوای
 بلبلکن خوش آوای تو ای « کوهستان »
 نشاط انگیز ، ندای حق و گایسانک
 عدالت بگوش مشتاقان آزادی هیرسانت
 آیم . در میان دره های دلکش و
 روح انگیز کوهستان ، آنجا تیکه مسکن
 و تشنگانه مردمان پاکدل است ، برای
 عشاق خود ، مدام شور انگیز وطنیت
 انداز باش ای نائوس سعادت

« کوهستان » دلستان ، ای که در
 دامن هضر آکین و شیب و نسرلز
 مشک بیزت روایح جان پرور یاسندان
 نلز و دلفریب تو بستگان خوش فریحه
 تو مایه نسکین دلهای ریش و نه سر
 های پرشور میگردد ، بار دگر هم بر
 تو سلام .
 نسیم فرح بخشیکه بر اثر حرکت
 لوراق نشاط انگیز تو وزین میگردد ،
 برای دارنده گان قلبهای حساس دیار کرد
 هزاران بار بیش از هوای هضر آیمز
 گلشن ، آیم در موسم بهار مطبوع

کوهستان مغلله اکنون مسکنه
 سر زمین بهشت آسای کردستان نشان
 تهنیت و شادباش از بهترین ارمغان این
 فصل دیار خوش با بختی یا لاله زبوق
 یا سوسن روح پرور تار کرده آرزو
 مندند که گلستان نه مانند گلهای
 پنجوش روزده ، بلکه چون گلشنی
 جاودانه همیشه خوش باشد .
 شاید پدر این هدایای عزیز که
 نمونه ای از فرموس بهار این سامانند
 در این فصل کشنگار ، در مصفاقتضات
 روییده و یاد هلاق مردم کوهستان ،
 کوهستان پیش از پیش دلستان آید
 کوهستان با جلال و نشاط انگیز
 یا شله عواطف دروسی خود همواره
 آتشفشان باش و از لبب احساسات خوشی
 هستی به ادبشان این سامانرا یکسر
 بسوزان و از برتو انوار تا پاکتله
 های سر بلنه ، آگری ، گران شیده و
 سوزانرا شور گردان و برای همیشه در
 دامن اقی فیروزه نام وطن قرین افتخار
 بیاسای و آسوده باش که پیش قلم
 هزاران نویسنده پرشور در برابر من
 بدخواهان تو مستند بیکار است .

مختصری از شرح حال

ولی مردانستان قبیلی

والی لرستان

از قهر تاریخ تا کنون لرستان هبت
 جایگاه طوایف جنگجو و سلحشور بوده
 سرداران نامی و مردان شجاعتی که از
 آنجا قدم بهرجه ظهور کرده اند بسا
 وجود فراموشی در زوایای تاریخ کم
 نمی باشد .

یکی از این اشخاص که شجاعت و
 با حرم و کیاست توأم بوده ولی مردان
 خان قلی والی لرستان میباشد .
 مشارالیه در زمان شاه سلطان حسین
 آخرین پادشاه بی عرضه صفوی در نتیجه
 مخالفت برادر کوچکتر خود و تهنیت
 وزراء و درباریان فاسد آن دوره که وجود
 اشخاص لایق و پاکفای مخالف سیط
 قدرت و نفوذ خود میدیدند مدتی به
 کرمان تبعید و در آنجا زندانی بود .

موقع حمله افغانه بایران و شرکت
 آنها با اصفهان پایتخت آن روزی علی مردان
 خان خود را از حبس شلاص نموده و
 مسلحان را جمع آوری و برای جلوگیری
 از افغانها به اردوی دولتی ملحق گردید
 در جنگ کلون آباد سه نفر سعی
 اصفهان که در روز یکشنبه بیستم جمادی
 الاول ۱۱۳۴ هجری بین فوای ایران و
 افغانه در گرفت علی مردان خان پایتخت فوج
 مردان جنگ آزموده و با نصد نفر سواران
 مضموس خود در جناح چپ نه تحت
 فرماندهی اعتماد الدوله بود قرار داشت
 و دو دختر شیردل او که در تمام جنگها و
 محصورات تاخت و تازهای جدی شکست
 ششانی با پسرشان همسراه و در جنگ
 شرکت می نمودند نیز با لباس مردانه و
 اسلحه جنگی در صف کارزار پیروی او
 بودند .

پس از شروع جنگ در مدت کمی
 فوای ایران که اغلب جنگ ندیده و در
 نتیجه اعمال فرماندهان سالهای ستادی
 به تنبلی و بیگاری سربرده بودند در
 مقابل سواران ورزیده و جنگ آزموده
 اقلای شکست خورده و بطرف شهر
 اصفهان متفرق شدند .
 علی مردان خان که خودش به سختی
 مجروح و یک برادرش کشته شده بود
 چون وضع را باین منوال دید و نتیجه از
 ادامه جنگ نمی دید با آن تعداد محدود
 که باقی مانده بود بطرف لرستان رهسپار
 شد و در آنجا بلافاصله شروع به جمع
 آوری قوا و مکانیه با حکام ولایات
 نموده دستور میدهد که با فوای خود
 بار ملحق شوند متنا با اصفهان رفتن افغانه
 را طرد و شامو پایتخت را که بخشی
 محصور بودند نجات دهند .

حکام ولایات در عرض تشریک مسامی
 با والی هریک بجبال اینکه متفرق می
 توانست قوای افغانه را مطلوب نایبند از
 کوهستان - با اظهار امتنان از
 احساسات پاک نگارنده محترم اطلاع
 علاقمندان میرساند که مقاله فوق سناسبت
 پایان سال اول روزنامه نگاشته شده
 و در ذم میطلبیم از اینکه چاپ آن چند
 شماره بتأخیرا فداه

نظر يك مجله انگلیسی

راجع بمسئله کرد

روزنامه «روز او» که برپان کردی
 در بیروت منتشر میشود در شماره ۲۱۲
 - ۷۰ خود مطالبی از مجله انگلیسی
 The New Statesman And
 Nation - اقتباس کرده که بدین ترجمه
 آن از نظر حواصت آن میگردد .
 بسیار غرضمندیم از اینکه قسمت
 بدست آمده که موضوع کردستان را
 مورد بحث قرار دهیم .

کرده در منطقه ای که از یک طرف
 از کوههای قفقاز کشیده شده و از طرف
 دیگر از اسکندرون تا وان منته است
 سکونت دارند . این خاک وطن آنهست
 تاسیس یک حکومت کردی امری بس
 مشکل است و برای شروع تشریک مسامی
 دولت های دوست و متفق ضروری است .
 ترکیه از کردها نفرت عمیقی دارند
 این نفرت به رجه ای رسیده که بهر هوائت
 ملت کرد را محو و نابود سازند . ترکیه
 اجازه نمی داند که کردها بر زبان خود
 تکلم کرده ، بخواهند و بنویسند ولی باید
 دانست که این قسم ممنوعیت ها دیگر
 امروزه قابل دوام نیست .

هنگامی که ستر چریل و ستر
 روزولت منشور اتلانتیک را تنظیم می
 نمودند کردها را در نظر نگرفته بودند
 ولی در قرار هائی که داده شده خواندن
 و اوشن را بر زبان خود ، حق هملت
 دانسته اند . ما میخواهیم در اینجا
 از ظلم و اذیت والی های که ترکیه در
 حق کردها نموده نه بخت کنیم . ولی
 میگویم آنها هیچ ملل نیوانست برای
 رسیدگی بشکایات مللی که امروز نیوانند
 نایبند می بجمع ملل پرستانه کیسوی
 تشکیل دهند امروزه هیچ ملل تشکیل
 شده نایبندگان دولت یا تصب فوق العاده ای
 آرمان خود را دنبال میکنند آنها می
 توانست مسئله کردستان و مسائل مانند
 آنرا هم طرح و مورد بحث قرار دهند .

دستورات هلیوردان خان سربندی بودند
 و علی مردان با همکار فوای خود به
 خوانسار رفته و در آنجا بیحاصل منتظر
 رسیدن قوای سایر ولایات بود .
 از مدتی قبل بین لرها و طوایف
 بختیاری تفاوت و کدورتی موجود بود
 و همین موضوع در این موقع مساعد از
 اتحاد آنها و پیوستن قوای بختیاری به
 والی گردیده و چنانچه فوای این دو طایفه
 با هم متحد میشد برای شکست افغانها
 کافی بودند .

قاسم خان بختیاری به هوش رفتن
 به خوانسار با دوازده هزار سوار خود
 مستقیما بطرف اصفهان رفته و غفلت بسا
 اردوی امان اله خان برادر محمود افغان
 مساعد و با دادن دو هزار نفر تلفات
 مطلوب بختیاری را چست می نایبندیده داره

به علاقمندان کوهستان
 تبلیغ روزنامه کوهستان
 بعهده علاقمندان آن است
 اگر باین روزنامه علاقه
 دارید در از بدامشتر آن
 بکشید

خسرو خان نایب پسر امان‌الله خان والی در زمان استقلال مزاج پدر مست ثبات حکومت را داشته است پس از فوت پدر در بهار ۱۲۴۰ هجری بحکومت کردستان وصیت پیدا کرده است خسرو خان فخص خوش بیان شیرین گفتاری بوده طبع شعر هم داشته خط نستعلیق را نیز خوب می‌نوشت است در بطل و علو همت مشهور و در حسن و نبوغ هم کاملا متحصص و ضرب‌المثل بوده است .

در سنه ۱۲۴۱ خرد سلطان اورامی و محمد سلطان اورامی بنوای استقلال خ اورامان سر از زلفه اطاعت بیرون کشیده بنای طیبان و باغبگری میگردانند . خسروخان برای سرگویی آنها محبه خان سرهنگ برادر خود را با سواره شام اردلان روانه اورامان مینماید پس از رسیدن اشراو نابره جنگ مشتعل شده آقا سهر اردلان کشته میشود مثل او سب همچنان اردوی اردلان شده بگسرتنه حمله بکوه و سنگسر اشراو برده حیدر سلطان را دو سنگس اول با انباشت معاصره میکنند حیدر سلطان ناچار خود را بیان رودخانه انداخته که بوسیله شنا خود را نجات دهد میاهبان او را هدف گلوله ساخته در میان آب رهسار عدم میگذارد انباشت هم قسمتی دستگیر و قسمتی طعمه ششیر میشود جعفر سلطان اجودان باشی هم با یک عدد نظام حمله بسنگر معد سلطنتان برده با رشادت و نیرومندی شاهان تجیه او را با همراهایش از سنگر خارج میگردانند هنگی دو برابر گدشته رهسار شهر زور میشود معد خان سرهنگ چند روزی پس از این فتح در آن اماکن مناسب باغنامیم زیاد بشهر سه دل مراجعت میکند .

در سنه (۱۲۴۳) قطع و غلا در کردستان شروع شده بان با جان برابر گشته است تقرا در کویه و برزن مانده وشته رو بهم افتاده از گرسنگی جان سپرده اند خسروخان مقدار پنجاه هزار تشار گندم و سایر حبوبات در ایازداشته ناچار همرا بر مردم مطابق هده رتوس تقسیم و توزیع کرده واز هر یک صد گسرتنه که پس از قطعی قیمت آنرا برآورد از این اقدام مردانه اهالی کردستان از آتش قطع و غلا مسوزمانده جان از میدان هلاکت به سلامت در برده اند پس از نجات مردم از آن بله جانسوز و عودت آسایش و اردالی میرزا فرح‌الله وزیر آن استناد را نزد خسروخان آورده که او را نذکر دهد مطالبه نماید خسرو خان قبولش را از دست میرزا فرح‌الله گرفته نوی آتش بخاری میانه‌اند و هم را میسوزاند و اهالی را با این بدل شاهان که نتجاوز از دویست هزار تومان بوده شادان و متشکر میسازد

خسروخان با برادران خود شیای بد سلوک بوده است بالاخره همرا از همتی ساقط بوده با نهایت ذلت و خلقت هلاک هلاکت شانده است .

در سنه ۱۲۴۹ محمد بیگ و معصومی بیگ پسران متصلی بیگ و گیل که امان‌الله کرده والی آنها را بستن و درانمان تبعید و ذلت در بود پس از ۲۷ سال کربت غربت و ذلت در بدری بر حسب اجازه والی مراجعت کرده اند علی‌بهد بیگ نیز که شاه زاده خسروخان بوده است نهایت

بقلم آقای محمد مردوخ آیت‌الله کردستانی

کرد و کردستان

سنه اردلان

۵۱-

حکومت خسرو خان اردلان مشهور بنا کام

هزوت و احترام و داشته است در آن هنگام اردوی دولت روسیه خاک ایران تجاوز نموده چندین ولایت سرحدی را در دست آذربایگان تصرف و شورش و اغلاب غریبی در ایران بمشور در قسمت آذربایگان در گیر شده اذربیک پسر معد زمان بیگ با چند نفر از اقوام و خویشاوندان خود که از طرز حکومت والی ناخشنود بودند میخواستند از موقع استفاده نموده بشکسر روسیه ملحق شوند و در صد برمی آید که حسین‌قلی خان والی زاده راهم که تازه از حکومت اسفند آباد عزل شده با خود همدست نمائند بنا بر این او را محرمانه دیده مطلب را با او بیان میکنند او نیز تشبیه را به والی میگوید و موسس اساس را هم ابوالحسن بیگ بدرستوره ادبیه که دالی خود والی زاده بوده معرفی میکند .

برای اثبات مدعی خود نیز میگوید که فردا شب در منزل اکبر بیگ جلسه منعقد است اگر والی یا لباس میدلدر بالا پشت بام شاه اکبر بیگ مذاکره حضرات را گوش دهد حقیقت امر مشکوف خواهد شد والی برحسب گفتار حسین قل‌خان عمل کرده آنچه باید شنود با گوش خود می‌شنود و تمام اکتاور خیالات آنها را بدست می‌آورد آتش کینه بدبینه که مدتها در زیر خاکستر مستور بوده از این باد مشتعل شده فردای همان شب امر برگرفناری پسران متصلی بیگ و سلطان پسر نظرحلی بیگ و ابوالحسن بیگ پدر (مسنوره) و سایر گسان و بنی‌اهام آنها صادر و هم‌را در فراتشان حبس و زنجیر می‌نماید اکبر بیگ هم در خانه معد بیگ

سلیمانی محروس میگرد .

پس از چند روز پسران متصل بیگ را با سلطان پسر نظر علی بیگ کشته اکبر بیگ را با ابوالحسن بیگ و اسمعیل بیگ برادرش و سایر گسان آنها در مقابل احد جریبه آزاد می‌کنند برای استنانت ابوالحسن بیگ (مسنوره) را خواستگاری و پند از دواج خود در می‌آورد .

پس از کشته شدن پسران متصلی بیگ خانواده و کالت متوحش شده امان‌الله بیگ پسر کوچک متصل بیگ و علی‌بهد بیگ پسر احمد بیگ با ده نفر دیگر از اقارب ایشان شبانه فرار کرده رهسار شهر بار قاجار میشوند خسرو خان نیز میرزا فرح‌الله وزیر را که دالی او بوده متعاقب آنها برای جلوگیری از نقلات ایشان روانه تهران می‌نماید سلوک کالت پناهنده شاهزاده سیف‌المروله شده کمر بلازمت والی می‌نهد و شکایات خود را بوسیله تاج‌المروله خانم که در آن کوه و برج آن اخت بوده پسرش پیشگاه هتایولی می‌رساند بنا بر این اقدامات و معاهدات میرزا فرح‌الله وزیر در ضحیر منیر شاهنشاهی ارتبش نامه حضرت را برده سیف‌المروله بود و روانه سیاهان می‌نماید در سنه ۱۲۴۵ که موک شاهنشاهی شریف فرمای همدان میشود خسرو خان والی نیز بمزوم طیف بوسی رهسار همدان میگردد علی‌بهد بیگ و اسمعیل بیگ نیز با جمعی از بنی‌اهام خود پشت سر والی وارد میشوند و بشتکوه و تظلم از والی می‌کشایند .

والی محرمانه پنجهزار تومان به آنها در شاه تقدیم میدارد که شاه آنها را ابوالی تسلیم نماید متصلی شاه با وجود نظر فداری

یابوی حرمسرای خود تاج‌المروله (مادر سیف‌المروله) از آنها وصامت همداله خان امین‌المروله آنها بگسرتنه یسامی عمل زاده خود را از دست داده خسرات را مثلولا تعویب خسرو خان می‌دهد خسرو خان هم آنها را بولایت آورده و مبلغ مذکور را باضاف مضامنه از آنها دریافت داشته همه را از همتی ساقط و خاک نشین میسازد اکبر بیگ بقیه عمر را در لباس غم‌درویشی بسر برده سایرین هم در راه به تنگدستی و اسفرده دالی متزوی میگردند پس از چندی بر حسب استعهای میرزا فرح‌الله وزیر و میرزا هدایت‌الله امین جلوس معد بیگ مرغس و بفریه بلجان آباد میروند از آنجا باوام خود در اسمهان اشته جسی از آنها آمده شد فریه مرغوم ریخته علی‌بهد بیگ را با شاه کوچ و پامه سیان می‌نویسند میرزا جعفر پسر میرزا هدایت‌الله که در آن نزدیکی بوده با وجود صفر سه با یکده سوار و پیاده بتعاقب آنها رفته در بین راه به آنها میرسد پس از مختصر زود خوردی علی‌بهد بیگ بضرع ششیر مجروح و کلیه کوچ را بسبب را عودت داده چند نفر معروف و مجهول راهم که از اسمهان آمده بوده نامه امیر کرده نزد والی می‌فرستد .

والی دو نفر آنها را که بیکی لطفلی بیگ پسر معد رحیم بیگ و کبیل و دیگری آدم حسینی خان والی زاده بسوده از حلبه پسر هاری میسازد (حسینی خان هم در آن هنگام از پدر بزرگوار خود روی گردان شده پامهان رفته و بجانواده و کالت ملحق شده است) در تاریخ ۱۲۴۶ شاهمراد بیگ کرد مشهور به (میررواندر) در تواسی کوهی و حریر و رواند زلم طیبان برافراشته بنای ثابت و تساراج میگردارد و سرشت و سواجلاخ و نمکری و لاهیجان را هم بتصرف در میآورد حسب الامر متصلی شاه خسرو خان والی با سیاه اردلان برای جلوگیری او حرکت کرده میررواندر را متزوم و تا کوی و حریر او را متعاقب مینماید بالاخره سی هزار تومان نقد بتولن جرم و خسارت چند از عین رواندر دریافت میدارد و کافه عقر و امان باو میدهد و مراجعت مینماید و مورد عواطف و تحسین ماوکاله واقع میشود در تاریخ ۱۲۴۷ هجری نیز معدود پاشای بابان از سلیمان پاشای برادرش رو گردان شده پناهنده بهولت ایران میشود حسب الامر ملوکاچه خسرو خان پامساره اردلان او را بسلبامیه برده استقلال میدهد و سلیمان پاشایدارالسلام بدهد میگرد و والی با کمال اقتدار و موفقیت مراجعت مینماید در سنه ۱۲۴۹ حاج شیخ جمال‌الدین غنچب و امام‌جمعه (جندولف) دیوالی منیر میگوید که کنن (الی انالیه) یا (انا الحق) یا (اله فحاجتی) و اشغال اینگونه کلمات غیر مشروع چسارت آمیز که گوینده از روی تعصب و تظاهر میگوید کفر معضومستارم سلب دیانت و اصلاحیت است زیرا هیچیک از انبیاء اله یا شاه مذاهب قائل بان نشدندانه همه از طبا و مشایخ طریق متلق الکلام برضد او خودش و اجتماع نموده مردم او اغوامی کنند که امام‌جمعه کافر شده بود دیگر پشت سر او خواندن نماز حرام و قتل او بر ارباب مع اکیر است

یک نزل کردی

گفته حریفی

له گرمی لعف مولاو . به یا نه له مه ولاوه
به سرما و بود سرما به یا کم به سرما ی
به لک بو کیو و صحرا و کدک نوی دزیه ز ستان
ز ستان چون یری سخت الفاله هیزی بی نای
خلات شاه نوروزی اشاره آتش اسرورزی
نسیم هیتی به دلسوزی که سوزی کس چلای نای
و یسی هورو توچی دهد و نوب برنو . غلام باران
صدیا پیش رو . علی‌بهد ترزه ، فرانشی دبی بای
بنفشه بو قلامی خال خوبان گردنی کیچ ارد
بوچ . وجه وک مسومن سری سجدیه به سیمایی
جزم دست بوسی . نه دستعا ته خدمت شاه
هو و حضور نسبت وک کسی حرمت سیمایی
نفس دم دیده بر آب و سیاورسینه جرك آتش
کلامم فتد اگر ساقی لکن من آرزوی جامی
بشق شای سراج‌الدین له شوق بو انا جانان
حسریق سوتا و گو این سز انام برانانی
اشارت فرق را آقای معد حسام و زبیری (کاتب) از مستندج
ارمال داشته اند

نویسنده جناب امین زکی میک - ۲۰ ترجمه و اقتباس آقای ابراهیم ادوی

مشاهیر کرد و کردستان

بعد از وفات خلیفه (الناصر) در معرک سال ۵۶۷ هجری تمام مناصب در قیحه انداز و حکام وی دوامد و بر منبرها اسم خلیفه عباسی و سلطان نور الدین خوانده میشد و برای ترویج مذهب تشن در آن کشور جد و جهد ببلع نمود.

سلطان نورالدین در ۲۶ هجری سال ۵۶۹ وفات کرد و با وفات او میدان برای تومس حکم و قدرت ملک الناصر باز شد ولی با وجود اینکه تمام قدرت در دست وی بود باز خود را تابع اوامر پسر نورالدین یعنی ملک صالح اسمیل و مبد است.

امیر سیف الدین برادر سلطان نورالدین ملک صالح اسمیل را سخت تهدید میکرد و خیال داشت کشور برادرزاده خود را تصرف نماید ملک صالح اسمیل ناچار شد که از ملک الناصر تقاضای کمک و مساعدت نماید و در سال ۵۷۰ هجری بود که او نیز در رأس عهد ای از نیروی خود بکنک ملک صالح اسمیل آمده و بعد از تسخیر شام امیر سیف الدین را تا نزدیکی های (حما و حماه) تحقیر نموده و به حلب هم رسیده این شهر را محاصره کرد ولی منظورش در این قسمت سرکوبی کسانی بود که از اوامر ملک صالح اسمیل سرپیچی کرده و بر علیه وی عصیان نموده بودند.

قراردادی پنهانی بین امیر سیف الدین وزیر ملک صالح اسمیل و اروپائیان بسته شده بود و میخواستند ملک الناصر را از بین بردارند ولی در مقابل رشادت و کاروانی ملک الناصر این قرار دادم که به شیخ منشی برای آنان فرستد و در ۱۹ رمضان در نزدیکی های (حماه) نیروهای متعصبین سخت شکست خوردند و متواری شدند و در مرتبه دوم این قوا یکی از میان رفت و تمام نقاطی را که در دست داشتند مانند حلب و غیره یکی بعد از دیگری تصرف سپاهیان ملک الناصر در آمد.

ملک الناصر پس از عقد صلح در سال ۱۲۷۵ میلادی به شام مراجعت کرده و از طرف خلیفه بغداد بیاس فدکاری هایش به لقب « سلطان » معتز گردید و بدین ترتیب به آرزوی دیرینه خود نائل آمد و برای اولین مرتبه بنام خود سکه زد و در آنوقت « الملك الناصر یوسف اول » مشهور گردید و اسم او را بر منابر میخواندند و پس و عهد و با مساعدت برادرش تورانشاه دو محیطه تسلط خود در آورده و به مسمرامجت کرد.

چندی از این بازگشت نگذشته بود که خبر رسید برادرش تورانشاه در برابر نیروهای ملیتی شکست خورده ناچار بلافاصله به شام مراجعت کرده و در راه به نزد یکی های رودخانه دجله رسیده و در جنگهایی که در مادیجای الاخر سال ۵۷۲ هجری که بین او و اروپائیان روی داد تلفات زیادی متحمل شده ولی چندی نگذشت که سلطان به فلسطین آمده و چون انتقام سرپیچانان شهید خود را عمل داشت به جمع آوری

و تجهیز نیروی خود پرداخته و در جنگ بزرگی که بین او و اروپائیان روی داد شکست سختی به آنها وارد ساخته و عده زیادی از امرای و بزرگان ملیتی ها را به اسارت گرفت.

در جنگهای مهم و خصوصا جنگ (مرج البیون) نیروهای آنان را بکنکی از پای در آورده منقلب ساخت و سپس عازم شمال الجزیره شد و از شمال بین النهرین نیز گذشته و خاک ارامنه را نیز تصرف خویش در آورد و قسرا را قادی نیز بین امرای مسلمین منقسم ساخته و بعد بمصر مراجعت کرده مشغول آبادی و عمران در داخل کشور پختاور خود گردید.

ساختن ما و آثار بسیاری از خود یادگار گذاشته و چون فراغت حاصل نمود از راه فلسطین عازم شام شد و از آن جا متوجه شهر بیروت گردید و این شهر را محاصره کرد و بعد متوجه موصل شد و پس از محاصره این شهر شهرهای محلی و دیار بکر را تصرف در آورد.

در این موقع بود که خبر رسید امیر عمادالدین که بعد از فوت ملک صالح حاکم شهر حلب شده بود بسا اروپائیان متحد شده و بر علیه سلطان قیام کرده است. ناچار سلطان از فتوحات موصل و موصل مرتظر کرده و رو به حلب عازم گردید و شهر حثبات را تصرف کرده و با اطراف حلب رسید امیر عمادالدین تقاضای صلح نمود به این شرط که بشارت و توابع آنرا به سلطان واگذار نماید و فقط حلب در دست خودش باقی بماند.

سلطان پس از حل موضوع حلب به جانب فلسطین روان گردید و اروپائیان را شکست سختی داد و برای مدت چهار سال بیجان صلح با آنان منتهی ساخت. زیرا منظور سلطان این بود که از فرصت استفاده کرده موصل را تصرف نماید لذا برای دومین بار به محاصره این شهر پرداخت و در سال ۵۸۱ هجری تحت شرایطی حاکم شهر اطاعت خود را به سلطان اعلام داشت و با این فتح و پیروزی توانست نفوذ خود در ارضان جزیره تومس داده و قسمتی از کردستان را نیز در تحت تسلط خود داشته باشد.

سلطان صلاح الدین در مصر خود از مقتدرترین و با نفوذترین سلاطین شمار میرفت و تنها آرزوی که برایش باقی مانده بود تصرف فلسطین و خارج نمودن اروپائیان از سرزمین کثرت بود.

سلطان صلاح الدین در فلسطین
در سال ۵۸۲ هجری حاکم شهر کرک پیمان شکنی کرد و به یک فتنه از حجاج اسلامی که عازم مکه بودند حمله

در ایام گذشته مردان بزرگ شما شهرت جهانی داشته اند آنها را بشناسید و بدیگران هم بشناسید

« ناری » هیکو بند

ای کردی ستم دیده مقارن سبیا چار
و ای ملتی مصومه ی بدبختی گرفتار
تا که یله خون آریو و دشمن هو بیدار
تا که ی ای هرمت بیته خلق هو هشار
خوتان اکه نه مضعکای مجرم و اغیار
...

عالم هو مشغولی تلاش و دستو برده
هر کس له یوغوی صاحب شو باو و کومرده
مهرسوی هو حق و حقوق ملتی کرده
هر کرده له برجهول و نفاق شون زدو خورده
مانم زده و سوکو ، پریشان و گرفتار
× + ×

اوملت و فرمانه له و پیش که بیون بون
او طایفه طایفه اوسا که زبون بون
او خلفه له بر یلوی خلق و اکه بیون بون
مستان له خاوی غفلت و داری نون بون
ایستا که هو بیکارن و شاه و حکمدار
...

گردیش ای هر هیدو غلامی ام و اوین
بیپوش و سراسبه له ذوی خلقی به دموین
دوزنو کری ایباو به شو محسسی شوین
چاوایان له مولووی ، نه به امین ، نه به وین
بی علم و جگر پاره و معزورن و خفتار
...

بس طالبی تالایی یکو کشتنی یک بیت
بس مایلی فوتانی یکو ، مردای یک بین
بس چاهدی به سنی و دست بستنی یک بین
مشغولی براتی و کو یک غشتنی یک بین
عدوست و یک بین و کو اغیار

شهدی امو او ، پریله درمائی کشنده

ای بی خبران بسیه ههین چاکروینده
اشعار فوئرا از آقای غ ۲ از سفر ژرمان داشته اند

مصلحتشوران عصر اتم

بقیه از صفحه ۳
بیم آن خبرور توده رنجیده کرد زیر
شلاق چابراکه فرامته جان شیرین بدر برده
بمنظور نیات از ظلم و شکنجه و برای
کسب آزادی کتار و قلم برای آسایش
روح و امنیت جسم - برای فسرمانک و
بهداشت - برای حق زندانی آبرو مت
در آب و خاک نیابان - بر علیه اعمال
بیادگران قیام کرده آنگاه نش جانان
مبین فروش و ناچوانسردان جانانکوارا
علم کرده و با قهر و غضب داد خود
شارا بگیرند.

چه خوبست سران و رهبران ایران
هرز قبل از پدایش چنین نهضت معنوی
بفریاد و ناله های جانگدار قوم کرد
توجه و رسیدگی نموده پیرامح دولت
ایمیدوارشان سازند.

در پایان لازم است بیلت بحسب
کرد مؤدوم و ستاخیز بزرگ فرادیده
فرشته سعادت و یک پیشی و آزاده کی
بر روی سنده کان و زحمتکشان سابه
انگنده و زمان فلسطی و اغسانی و
سنگری برای نهرمانان و خردمندان
و مشت زنان و راستگوبان و یکسو
منشان مبری شده است و لسی وضعیت
خواب رفتنشان همان است که بود
حال در برگزیدن این دو طریق آزاد
مفتاریه.

نموده بود و بعد از آنکه آنان را بکنکی
غارت نموده بود ظلم و ستم و بدرفتاری
زیادی نیز نسبت به آنان مرتکب شده
بود.

این پیمان شکنی را این رفتار نسبت
به مسلمانان بنظر سلطان سی اندازه گران
آمد لذا با نیروی خود عازم آن سرزمین
گردید و (حایره) را گرفته و در
۲۶ ربیع الاخر سال ۵۸۳ نیرو های
اروپائیان را در (هوشین) شکست سختی
داد.

هو این جنگ پادشاه فلسطین و امیر
کرک را نیز اسیر نمود و در اثر این
فتح و ظفر بود که پرچم پیروزی او
در سرتاسر فلسطین به استثنای قفس و
صود به اهتزاز درآمد ولی اندکی بعد
در ۲۷ رمضان ۵۸۳ هجری قد را نیز
بصرف در آورد و به آرزوهای دیرین
خود رسید.

حسن ساوک رتار و مهربانی های
سلطان با مردمان سبسی این نواحی به
نحوی بود که گلیه مورثین عربی از
وی تحریف و تشدید نموده و جوانسردی
او را ستایش نموده اند.

در اطراف قرارداد ترکیه

بقیه از صفحه ۶
ملعبی مجاز و اصولاً یک امر طبیعی غایت است نه تنها از مردمان مصر بیست بلکه از همه جاهدارها باپستی انتظار داشت و هیچ فزایدی از نیتوران تصور نود که مانع از این تلاش گردد.

در خصوص آرمان عالی و حرکات فداکارانه کردهای ترکیه صحبت های زیادی شده است لازم نیست به تکرار بکنم. ملت کرد مانند هم جنس خود جماعت دیگر بشر آزادی زبان، نامین بر زندگی داشتن فرهنگ و انکشاف اقتصادی خود را خواهند است. غولی که برای ترمیم پایه های کاخ آزادی یک ملت لازم است بقدر کفایت ریخته است و نمایان است که در آن راه باز از ریختن خون مضایقه ندارد.

نیایان کرد در قرن های شیلی قدیم انصار فرمائرتوانی خاور میانه را در دست داشته نوادعایشان امروزه هم کجینده های این سرزمین ذی قیمت را در آغوش دارند. اگر وضعیت جغرافیایی کردستان را که مانند خلائی شمال و شمال خاوری عالم حرب را گرفته، ارتباط این قوم و با اقوام آسیایی دیگر از خشکی قطع کرده و راه بسط انکسار پان توراویسم ترکیه را گرفته و در پایهای مدیترانه خلیج فارس و حتی دریای سیاه را بهم اتصال داده با یک دست پای قفقاز و با دست دیگر دروازه هند را گرفته است در نظر بگیریم میتوانیم با اهمیت سیاسی و اقتصادی این منطقه بی ببریم.

تسلیل کرد ها پستان ویا به جنوب نیم آفریقا دارد که موازنه سسار ترین قسمت زمین را منحل نموده باعث ایجاد آبرهای تیره و تار در آسمان صلیح و صلیح جهان باشد.

با این اینه است که بجز اتصال آزادی هیچ طرف توجه خاصی ندارد فقط خواستار آزادی خود بوده آرام امروز از وجدان آزادی خواه انجمن ملل متفق انتظار دارد از هر طرفی که دلجوئی شود طبیعی بنظر میآید که کپار استان او را بردوش گیرد

انجمن ملل متفق که بر پایه های منشور های پیشواپان بزرگترین دول جهان استوار است به ملل مظلوم و عده آزادی داده و حکومت عالی که در آن انجمن عضویت دارند الحاق خود را به آن منشورهای منس اعلام نموده و چندان و شرافت بشری ضایع نکنند آن مواجید است. در این صورت دلجویی دیده نشود که ملل اسیر در حلی شدن آن منشورها تردیدی باطل راه ندارند متاسفانه قرارداد ترکیه و عراق کشیده معکوس است که برپیشانی فرشته امید جامعه های مظلوم فرود آمده است.

آیا ممکن است این دو دولت در کشتن و نابود نمودن یک ملت ضعیف و بی صاحب ادر میان خود تقسیم نموده اند مورد اعتراض دولت های دیگر آزادی خواهد نمود خصوصاً ملت ایران که برادر آزادی کرد میباشد حق بزرگی بر گردن دارد.
وقایی که در کردستان رخ میدهد و موجب تاسف اکراد هم میباشد باپستی

با قیام های کردهای خداج از ایران مقایسه خود این کمودرتی است میان دو برادر که با حسن نیت طرین را زمین شود کلیه دولت های جهان سنگ طرفداری آزادی بشر را بیسته می زنند.
من تمهیدیم در قاموس دول منهای آزادی چیست، اگر منظور آزادی دولت باشد مشکله بوده نیایستی بان آزادی بشر نام گذارد ولی اگر قصدشان سفینا آزادی بشر است پس چرا یاد ممالی تنی رسند که بزور واسطه از حق ایندالی و انسانی که آزادی تکلم و تحصیل بزبان اجدادی است محروم نگام داشته شده اند.

روزهای ۳ بنام آزادی ملل در خصوص تخلیه شمال ایران از فوای شوروی در شورای امنیت ممر که هارپا و عده دفاع از حقوق ملل ضعیف داده میشد دولت های ترکیه و عراق برای غنچه کردن فریادهای مظلومانه آزادی ملت کرد مذاکراتی نموده فرا وهایی داده و بی پروا به جهانیان هم اعلام نموده اند هر چند جمله «نامین آسایش منطقه مرزی» ظاهری فریفته پوشیده به عبارت دشورای امنیت میدارد اما در نظر اوضاع معلوم نمیتواند منظور اساسی را برده پوشی کند اگر حقیقتاً این دود دولت صمیمانه میخواهند نه تنها در منطقه مرزی خود بلکه در تمام خاور میانه آسایش و امنیت سکرمه پاشد خوب است مطیع منشور ملل متفق شده حقوق ملی و بشری کرد را قبول و اعتراف کنند.

کلیه اختلافها زاید به احتیاج است یک شخص و یا جامعه آزاد و راست هیچ وقت بدلی دست نیزند که آسایششان و چه های خود را هم معتدل کنند پس چرا آسایش منطقه مرزی ترکیه - عراق منحل شود برای اینکه این منطقه پا کرد های ایرانی نژاد مسکون است در دست دولت های ترکیه و عراق اسیراند و با نژادهای توراتی و ساسی مناسبتی ندارند

کرد های ترکیه با اینکه قرن های متوالی در راه شوکت و عظمت امپراتورهای عثمانی جان بازیها کرده اند امروز بوجوب قانونی که از مجلس ملی ترکیه گذرایه شده نه تنها از خواندن و نوشتن بزبان کردی محرومند بلکه از حرف زدن بزبان اجدادی خود کردی هم محروم و حتی نمیتوانند خود را هم کرد بخوانند و بوسایل مختلف تحت فشار گرفته شده اند که برور از میان بروند.

از دولت هایی که در مجمع ملل عضویت دارند می پرسیم وضع این ملت بدست و یا چه می نامند؟ اسارت با آزادی اگر اسارت تشخیص میدهد کی به وظیفه انسانی خود عمل خواهند کرد؟ سیاستی که معمول ها چند صد سال

آمر به آینه در خشان فرزندان خود علاقمندید و گرمیخواهید در زندگی سعادت مند باشند در با سواد کردن آنها جدیت کنید : سر لوشت جامعه بی سواد بندگی و بردگی است

تالیف - اوسه پول مارگریت

و دکتر ک. ا. ک. - ۷ -

بررسی در شعر و ادبیات مسکری

قصیده بهاریه حاج قادر

مهر و مرو و مرغابی و اردک روی بر که های نیکگون ،
نظیر حرکت ماه و ستارگان در قلم نیاست ،
صدای غلطیدن و ریزش آب های صافی، از روی سنگها ، مانند ورزش نسیم روح بشر ،
و گیاههای داخل جویبارها ، از دوغوشش نظرات شفاف آن فیهده ، و با سرکات آن در اغشازنه ، از هورا صدای قطارهای منظم کلنگ و گروه های موج سار میآید ، کلبکها در پیرواز وشاهین هسا نتره میزنند ،
از صدای نفس زدن و پایزمینت کوبیدن گار گوهری ،
گاو زمین دچار لرزه و کاو آسان هراس تک است ،
برق و دود تنگهای شکارچیان از هر گوشه چون زلف در هم و آشفته ،
از باد سرگامی هوبه است ، در بالا توده های ابرو در پایین کله های اشام ،

توده همراه شبیه دلشن خضر است شب از بر تو آتش سیاه چادرها ، ستارگان ، ثوابت و سیاره در زوایای آسمان شعلت زده میشوند ،
بمذاز این همه داستان سرائی بخت خواب آلود ،
مانند از دهای خفته غشم نساک بیدار شد ،
به جوات آمده اما جوائی چنان قه و خشن ،
که مجال مناظره و مباحثه برابم نگذاشت و گمت ،
تافسول ارببه مدار زندگی موالید روی زمین هستند ،
بباز همه ساله تجدید میشود ، ولی آنها به دیار حقیقی و رهسپار می گردند ،
و نشان همان رفتنی که بر کشتن ندارد خوشی هر مکان به ساکنان آن مکان است ،
کپه هوار (غیبه گام) پشم است ، شوق زندگی به دوستان است و آب و هوا ،
رفقای قدیمی نمانده اند ، جوانها پیر شده باصفا رامیروند ، از دوپست نفر یکی را بیرحمت باز بشناسی ،
آدم به نشانی بدر و برادر و خوشاوندان ،
با این ترتیب اگر بیولایت مراجعت کنی مثل این است از وطن به شهر جابلنا میروی .
(چون قصیده طولانی و در منت فزاسوی فقط قسمت مختصری درج شده بود و ترجمه هم با اصل کردی اشعار تا اندازه ای تفاوت داشت باین جهت در اینجا از روی متن کردی یک قسمت از قصیده ترجمه شد « مترجم »
این شاعر در نهایت خرافات و تسبیح دینی را مورد طعن قرار داده و در یک قصیده دیگر میگوید :

قبل در آذربایجان با کمال سستی دومی نسبت به مادریهای کسوجانک دوا داشته اثرات تلخ و شوم آنرا آذربایجان امروز می چندت سیاستی که صد سال قبل پادشاهان منافی نسبت به اسکته غیر مسلم تاپیه خود عمل میکردند که ترازدی های مختلف در سایه تحمیل زبان به قالب ترک ریخته شود نواده های شان امروز هم با کمال قسارت در حق کردهای ایران نژاد میخواهند عملی کنند اگر این ملت برای حفظ و حرامت جان مال و ناموس خود را همیشه در معرض خطر قرار گرفته معاوضی بخرج دهد آیا رواست که این عمل مشروع و طبیعی او اغلال آسایش منطقه شناخته شود ؟

آیا گناه و مسئولیت آن و تسایع پیمده کردها و یا پیمده دولت هائی است که به تشکیلات منظم دولتی رسب و توپ و طیاره خود مشکلی و بیاستاد آن در جهان مدبیت یک جمعیب بزرگ بی دست و پا را به نابودی سوق مسی دهند ؟ و آیا جامعه قرن بیستم بشری در مقابل این فجایع مانده وحشیان قرون اولیه و ماقبل تاریخ که اسرا را در معرض محرم حیوانات درنده گذاشته تکه تکه شدند تا را نظاره کرده و حظ می بردند اخبار شادمانی خواهند کرد و با اینکه در تحت تاثیر عواطف بشری واقع شده عساکر مسموم را نجات خواهند داد ؟

مشله کرد معکبی است برای همین علاوه مجمع ملل به آزادی حقیقی و معکبی است برای نمایان ساختن درجه صداقت زمانداران دول و پاینده بودن آنان ب حفظ شرافت قول و بیانات جامعه و پیشوایان بزرگ شود.

آگهی

جلسان عمومی جمعیت مرکزی کرمانشاهیان سه هفته در روز های چهارشنبه از ساعت ۵ به بعد در منزل آقای سلیمان یونسی واقع در خیابان برق کوچه پرچیس جنب دفتر شماره ۱۱ تشکیل میشود از عموم مشهربیای محترم خواهش میشود در محل مذکور حضور بپسمراتند

آگهی

اداره روزنامه کوهستان وجوه اشتراك سال ۱۳۴۵ را می پذیرد
اگر مشترکین در ارسال وجوه اشتراك تسریع فرمایند موجب امتنان خواهد بود

گردستان...

بعد از آذربایجان

مجله المصور چاپ قساره، تحت عنوان تون مقاله مفصلی نگاشته و روزنامه الجهاد چاپ بغداد عیناً آنرا نقل کرده است ما نیز ذیلاً ترجمه آنرا از نظر مطلع ساعتت خوانندگان خود چاپ می نمایم

در این میدان بر طرفان و پسر حوادث دنیا، ملتی قیام میکند... ملتی که با قیام خود بیوستگنی سه کشور: ترکیه، عراق و ایران را شده با تهدید میسازد. ملتی که با قیام خطر ناک دست میزند. ملتی است فلیبر و کینه جو، ملتی که از بدو خلقت تا کنون به جنگ و نبرد حادث کرده و جنگها را یکی بعد از دیگری - بدرقه نموده است.

شجعی که نظیر مبرسد شوروی باشد در پشت سر این ملت قرار گرفته و ملتی را که قصد نابودی آنرا دارد از تیل باین منظور مدامت میکند

این است خطر قیام اکراد در حال حاضر

اکراد ده ها مرتبه قیام کرده اند ولی هرگز دیده نشده که شراره قیام آنان صلح جهانی را تهدید نماید اما این مرتبه ۱۰۰۰ خدا داد

جمیت کسرو بیش از پنج ملیون است که بطور تفرقه دست دست، از شمال هندوستان تا آسیای صغیر زندگی می کنند. بیشتر این جمیت در کشورهای سه گانه عراق، ایران و ترکیه سکونت دارند در عراق ۶۰۰۰۰۰ - در ایران ۸۰۰۰۰۰ نفر و در ترکیه یک ملیون هدف زیادی از اکراد ترکیه در اثر ظلم و تعدی دولت مذکور به روسیه رفته و شماره آنان به ۱۶۰ تا ۱۹۰ هزار نفر میرسد ولی مدتی قبل آنان را براسایت بسکن اصلی تحریک می نمودند. اینها مردمانی شجاع بیرومند و جنگجو هستند. این اکراد روسیه را میتوان کانون زنده شدن روح این ملت دانست که در داخل روسیه دارای جمهوری مانده اومستان، گرجستان و قفقاز بوده اند

کردهای عراق مرتبتر و منظمتر از سایر کردها هستند و شماره آنان فقط در بغداد به سی الی چهل هزار نفر تعیین زده میشود ایشان مردمانی زرنگ و فعال بوده و در زندگی سیاسی - اقتصادی و اداری عراق تاثیر بسزایی دارند.

در شام نیز بیش از صد هزارانه که در نواحی مرزی موصل و ترکیه سکونت دارند. بیشتر اکراد مسلمان هستند و اقلیت هائی مسیحی و یزیدی در میان آنان یافت میشود.

کشورهای جهان. پس از جنگ

توجه فرمائید

اداره روزنامه کوهستان
از محل سابق به خیابان
فردوسی رو بروی بانک
ملی انتقال یافته است

زیرا بنده استه مرکز سید رضا کجاست. مرور زمان و رشادت های سید رضا و یارانش که باعث زحمت دولت ترکیه شده بود در میان اکراد انکاس یافت. همه نسبت با ولایت خاصی داشته و روح آزادی خواهی او را نمی بینی. نود و نه و بقرمان ملی معروف گردید. داستان های تاریخی در باره او نقل می کنند و تعجب در این است که این شخص و یارانش بیش از صد سوار پیروند ولی بعدی با مهارت و جرات و رشادت فعالیت خود را ادامه میدادند که هر یک از آنها تا مدتی نظر راسی گشت گشته اند. همه ای از اکراد که به روسها مایل بودند برای بدست آوردن حقوق و آزادی از طرف آنها تشییع می شدند منظور دولت روس از این سیاست این است که در مجاورت مرزهای خود ملل ضعیلی که حقوقشان پایمال شده روی کار بیارند مانند منچوری، ارمنستان و غیره این ترقیه با روی کار آمدن جمهوری آذربایجان، در شمال ایران کاللا روشن و مبرهن گردید روسها و ادان شده برای بدست آوردن استقلال آنان این خود ترکیه، کجکشان کنند. روسیه میداند که دولتین عراق و ترکیه حاضر نخواهند شد مطالبات اکراد را بدهند زیرا با ترتیب از دادن به تقاضای آنان دچار مشکل موصل از عراق و بخش بزرگی از ترکیه جدا خواهد شد. ولی روسها به روشن شدن ذهن اکراد حلاقتهند.

همه ای از اکراد چون میدیدند که آزادیشان در روسیه تامین است میدان کشور روئی ندارند در بین مناطق گرجستان و ارمنستان مدارس زیادی برای آنان افتتاح شد و بزبان کردی نیز تدریس آغاز گردید

کنسولگریهای شوروی در غلور میانه نظر فرماندهان و زورگان کرد را بخود جلب میسازند از جمله این بزرگان امیر بدوغان است که در بیروت باشو روپها روابط نزدیکی دارد و از کمک های فکری آنان نیز استفاده می کند.

امروز شورویها شروع به تشییع کردهای داخل مرزی کشور خود نموده و برای تشکیل دادن دولت مستقلی آنان را آماده می کنند.

اکراد تقاضاهائی از جمیع پوتندام نموده که به آنان اجازه داده شود دولت مستقلی تشکیل دهند و در مطالبات خود نیز با فشاری اردن و این مطالبات جنبه رسمی داشت ولی چون دولتین انگلیس و امریکا حاضر نشده اند مطالبات آنان را بدهند اکراد شروع به قیامهای مسلحانه نمودند و مرکز این قیامها امروز سرزمین های مرزی ترکیه و ایران است

(عدالت اجتماعی)

شاید بعضی از اشخاص تصور کنند هر کجا که از عدل سخن می رود ذکر از وظیفه واجبه پادشاهان بیان آمده است و به دیگران ربطی ندارد و اگر کسانی هم در این فریضه سهم یافته باز هم محدود به سواشی سلطنت است که آتم از وزراء و امراء و حکم و قضات تجاوز نخواهد نمود در صورتی که چنین نیست و بلکه عدالت یکی از اهم وظایف عموم است که موضوع رفیع و اهالی و ادانی و مشیر و کبیر باید در حسن اجراء آن مواظبت کامل داشته باشند. معطی که در آن امراد سیات منگنه قابل زندگی باشد.

شیخ ابو سید ابوالخیر در کوچه سگی را دیده که گرفتار آزار کودکان شروری شده است آنرا از شکنجه آنان آزاد کرد و آنگاه روی به مریدان خود آورد فرمود که اگر دوشهری مسلم شود که هر گاه به یک سکه هم ستم شود گروهی به حمایت آن قیام و با حق نقش اقدام می کنند دیگر محال است که به آدم ستم شود چنین معطی خود بخود واجد حکومت عادل خواهد شد زیرا افرادی که بر مردم حکومت می کنند از خود مردمند و بقول معروف سر و ته یک گریاستند و اگر یک جاسه خوب باشد هیت حا که آن خوب خواهد شد و اگر بد باشد انتظار خوبی از آنان نباید داشت زیرا کسی که محظظ گشته است پیشکرا اندر دود و جل او گریا نکشیر خود ببین چمت است که حضرت امیر امیر مایه «کمانکونون یولی علیکم» یعنی «مانگو» که سینه فرمان روابان عبا همان گونه خواهند بود این سخن مبارات اخیری این جمله مشهور است که «هر ملتی لایق همان حکومتی است که دارد»

بنا بر این اگر ملتی خواهد دارای حکومت عادل باشد باید به نصت خود عادل باشد و اگر به دشمن خوب ز آن بد چون کسی که ضرب النزل معروف مردم نیز در این باب صادق است هر کسی بر زیر دستان داد که از زبردستان دادینه مولوی میفرماید چونکه به گری برو این پیش چونکه تمام است و برویانه عدالت

ولی چون دولت ترکیه برای ختن نبود این قیام ها فعالیت های فوق العاده ای بود اکراد با نهار از محیط ایران استفاده می نمایند و احياناً احتیاجات خود را نیز از روسها بدست میآورند

بدین ترتیب است که پس از تشکیل جمهوری آذربایجان در شمال ایران امروز موضوع کردستان بیش از پیش مهم میشود و این موضوع بسیار خطرناک است زیرا بحقیقت سلطه دولتهای عراق، ترکیه و ایران را تهدید کرده و دول مذکور را گریزند برای هم بیشترت این اقله امان جدا کوشش نمایند

این است قیام خطر ناک اکراد